

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال نهم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۷/۲۱

صفحات: ۶۰-۳۷

دولت و توسعه در هنگ کنگ

دکتر رضا شیرزادی*

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم سیاسی، ایران، کرج

چکیده

در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای مختلف تلاش کردند ضمن دستیابی به نوسازی و توسعه، مشکلات و محدودیت‌های جامعه‌ی خویش را به حداقل ممکن برسانند. در این زمره، کشورهای متعددی از آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین هر یک با توجه به نیاز جامعه و نیز به فراخور درک و دریافت خود از نوسازی و پیشرفت، با اتکاء بر راهبردهای گوناگون، مبادرت به نوسازی و اقدام برای توسعه‌ی ملی کردند که البته در آن میان، کشورهای شرق آسیا و به ویژه «ببرهای آسیا» (کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ) به کامیابی‌های چشمگیری دست یافتند. اینان به سرعت، فاصله خود را از کشورهای پیشرفته صنعتی کم کردند و تا دهه‌ی ۱۹۹۰ به قطب‌های اقتصادی عمده در شرق آسیا تبدیل شدند. پژوهش حاضر درصدد است به بررسی علل، و کم و کیف تحول اقتصادی در هنگ کنگ به عنوان یکی از این کشورها و نیز نقش و جایگاه دولت در آن، بپردازد.

کلید واژگان

توسعه، توسعه اقتصادی، هنگ کنگ، دولت.

مقدمه

هیچ کشور یا گروهی از کشورها در جهان در حال توسعه نتوانسته است از نظر رشد اقتصادی، کاهش فقر، ادغام در بازارهای جهانی و افزایش سطح زندگی به اندازه ببرهای آسیا به موفقیت دست یابد. در دهه‌های اخیر در این کشورها درآمدهای سرانه تقریباً چهار برابر شده، میزان رشد جمعیت به

* نویسنده مسئول، ایمیل: shirzadi2020@yahoo.com

شدت پائین آمده و وضعیت بهداشت، درمان و آموزش به طور چشمگیری بهبود یافته است. این کشورها با ترکیب مزیت‌ها، زمینه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی ملی با الگوهای بازار و توسعه‌ی برون‌گرا (در هماهنگی با الزامات نظام بین‌الملل) رشد اقتصادی پرشتاب و پایدار، و به طور میانگین بالای هفت درصد در سال را تجربه کرده‌اند. عده‌ای معتقدند علت اصلی معجزه‌ی شرق آسیا؛ دولت و دخالت‌های فعالانه، انتخابی و آگاهانه آن در اقتصاد بازار بوده است. گروهی دیگر (نولیبرال‌ها، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) معتقدند دخالت محدود دولت و اجازه دادن به نیروهای بازار برای کنش محدود و آزادانه، انحراف اندک در قیمت‌ها، ثبات اقتصاد کلان و توجه به مزیت نسبی، علت اصلی بوده است.

مسلم است ایجاد ترکیب مناسب و هماهنگی میان برنامه‌های توسعه‌ی ملی این کشورها با الزامات بین‌المللی، نکته‌ی کلیدی برای درک توسعه‌ی شرق آسیا است. در کنار این عوامل، یکی دیگر از عوامل توسعه‌ی شرق آسیا، ژاپن به عنوان پیشرو توسعه در این منطقه بوده است که هم تأکید بر توسعه‌ی بومی داشته، و هم بر تجربه‌ها و الزامات بین‌المللی توسعه توجه داشته است. با توسعه‌ی ژاپن، نسل اول کشورهای آسیا (کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ، سنگاپور) به توسعه دست یافت و سپس در فرآیندی تصاعدی، نسل دوم (مالزی، تایلند، اندونزی) به توسعه رسیدند. تنها استثناء و مورد ناموفق توسعه در شرق آسیا، فیلیپین بوده است. در ادامه، تجربه‌ی هنگ‌کنگ و نقش دولت در فرآیند توسعه‌ی این کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. ویژگی‌های عمومی هنگ‌کنگ

هنگ‌کنگ یا عنوان رسمی «منطقه‌ی اداری ویژه‌ی هنگ‌کنگ»، در جنوب شرقی آسیا واقع شده و شامل جزایر لانتائو، هنگ‌کنگ و حدود ۲۰۰ جزیره‌ی بسیار کوچک و یک بخش کوچک سرزمین اصلی می‌شود. این سرزمین از شمال به استان گوانگ‌دونگ چین، و از سمت شرق، غرب و جنوب به دریای چین محدود شده، و دارای ۱۰۹۲ کیلومتر مربع وسعت است که در حقیقت به وسعت یک کلانشهر است، آب و هوایی استوایی دارد که در سردترین و گرم‌ترین فصل سال بین ۱۳ تا ۳۱ درجه در نوسان است. بارش باران‌های سنگین در این سرزمین طی همه‌ی فصول سال (در حدود ۲۱۵۹ میلی‌متر)، امری طبیعی است. حدود ۹۵ درصد جمعیت هنگ‌کنگ؛ چینی، و مابقی از کشورهای جنوب شرق آسیا،

بریتانیا و سایر کشورها هستند. (Thomas M. Leonard, 2006, 764)

شهرهای ویکتوریا و کولون از مهم‌ترین شهرهای هنگ کنگ هستند. شهر ویکتوریا پایتخت و مرکز سیاسی هنگ کنگ است. این شهر مرکز تجاری منطقه، و بخش شمالی منطقه‌ی هنگ کنگ، مرکز فعالیت‌های محدود کشاورزی است. واحد پول این منطقه، دلار هنگ کنگ است، هر دلار آمریکا معادل ۷/۷۵ دلار هنگ کنگ است (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۴).

در هنگ کنگ، زمین بسیار کمیاب است، از این رو اکثر کارخانه‌ها در ساختمان‌های مرتفع قرار دارند (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۷۹). بر طبق قوانین منطقه‌ی اداری ویژه‌ی هنگ کنگ، افراد خارجی از نظر تملک املاک محدود هستند و فقط می‌توانند یک ملک مسکونی برای اقامت خریداری کنند. تملک این ملک نیز به شرطی میسر است که آنها حداقل یک سال با مجوز اقامت، در کشور چین زندگی کرده باشند. افراد خارجی تبعه‌ی هنگ کنگ از این قاعده مستثنی هستند. افراد خارجی که تبعه‌ی هنگ کنگ نباشند، امکان اخذ حق مالکیت دائم زمین‌ها را ندارند. آنها می‌توانند زمین مورد نظر خود را از طریق اجاره در اختیار گیرند. زمین‌های قابل بهره‌برداری از سوی افراد غیر هنگ‌کنگی شامل زمین‌های مسکونی، تجاری، صنعتی و کشاورزی است. طی سال‌های اخیر، دولت هنگ کنگ و سایر کشورها در خصوص نحوه‌ی استفاده از زمین‌های آن منطقه، قراردادهایی به امضا رسانده‌اند. رئیس و اعضای نمایندگی‌های سیاسی کشورهای خارجی در هنگ کنگ و همچنین سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به شرط پذیرش متقابل دولت‌های متبوع، می‌توانند در هنگ کنگ ملک مسکونی داشته باشند (چون چا، ۱۳۷۵: ۲۱).

از نظر مذهبی، اکثریت جمعیت هنگ کنگ (حدود ۹۰ درصد)، از آیین بودایی پیروی می‌کنند. پیروان دیگر ادیان از جمله مسیحیت، یهودیت، اسلام، تائوئیسم، و هندو نیز در هنگ کنگ حضور دارند. با وجود چنین دامنه‌ی گسترده‌ای از اعتقادات، مردم به همه‌ی اعتقادات مذهبی احترام می‌گذارند، و در اکثر مراسم مذهبی شرکت می‌نمایند. بر اساس آخرین آمارهای رسمی، در هنگ کنگ حدود ۸۰ هزار مسلمان زندگی می‌کنند.

زبان رسمی و اصلی مردم در هنگ کنگ، کانتونیزی است و زبان انگلیسی به عنوان زبان اصلی در بیشتر مراکز تجاری، دستگاه‌های دولتی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سایر زبان‌های مورد استفاده در هنگ کنگ عبارت‌اند از: آلمانی، ژاپنی، کره‌ای، ویتنامی، تک لوگ، اندونزیایی، تایی، هندی، اردو، نپالی، پنجابی، و عربی (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۵-۳۳).

هنگ کنگ از نظر حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و آبی و زیر ساخت‌های حمل و نقل از جمله بنادر و فرودگاه‌ها، بسیار پیشرفته است (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۵).

۲. تحولات سیاسی

الف. پیشینه‌ی تاریخی

همچنان که اشاره شد، هنگ کنگ که در زبان چینی شیانگ‌جیانگ نامیده می‌شود، جزیره‌ای است که در ساحل شرقی سرزمین اصلی چین، مجاور استان کوانگ‌دونگ و در دهانه‌ی رود کانتون واقع شده است. این سرزمین که همواره جزئی از چین بوده، در سال ۱۸۴۲ به دنبال پیروزی انگلستان بر چین در جنگ اول تریاک، به تصرف انگلستان درآمد. طی دهه‌های بعدی، هنگ کنگ یک بندر تجاری مهم و پاسگاهی نظامی برای ناوگان بریتانیا شد. بریتانیا در سال ۱۸۶۰ شبه جزیره‌ی کارلون را نیز که روبروی هنگ کنگ قرار داشت و بخشی از سرزمین چین بود، همراه با اراضی اطراف آن به دست آورد و در سال ۱۸۹۸ طی یک قرارداد ۹۹ ساله با دولت چین، آن را اجاره‌ی کرد. هنگ کنگ به مرور رو به توسعه و پیشرفت نهاد و به یک مرکز بازرگانی مهم در آسیای شرقی تبدیل شد. با روی کار آمدن کمونیست‌ها در چین (۱۹۴۹-۱۹۴۸)، گروه کثیری از مردم چین که از حکومت کمونیست‌ها ناراضی بودند، به هنگ کنگ پناهنده شدند. شرایط اقتصادی خاص حاکم بر هنگ کنگ به ویژه پس از روی کار آمدن دولت کمونیست چین، آن را به یک منطقه‌ی خودکفا، مولد و صادرکننده‌ی صنایع سبک، نساجی، پوشاک و پلاستیک تبدیل کرد و پول و ثروت را در آنجا متمرکز نمود. با روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ و تقویت تحولات اصلاح طلبانه‌ی اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ در چین، بر اهمیت هنگ کنگ به عنوان بهترین نقطه‌ی ارتباط چین با جهان خارج افزوده شد و بین ۳۰ تا ۵۰ درصد داد و ستدهای خارجی چین از طریق هنگ کنگ انجام شد و ۹۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های استان کوانگ‌دونگ در آنجا متمرکز شد و قدرت مالی آن پس از نیویورک و لندن، در درجه‌ی سوم قرار گرفت. به هر ترتیب، اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۷۸ در چین، عصر جدیدی برای رشد اقتصادی در هنگ کنگ بود. اساساً اصلاحات مستلزم آزادسازی بنگاه‌های خصوصی بود. ابتدا در حاشیه‌ی کشور و سپس در شهرها جایگزین ساز و کار بازار به جای برنامه‌ریزی و کنترل، و سیاست درهای باز شد و رشد پایدار و فراوانی

گسترده‌ای را به همراه آورد.

هنگ کنگ در ایجاد معجزه‌ی اقتصادی در جنوب چین از طریق تزریق انبوه بنگاه‌ها، سرمایه و مهارت، تأثیرگذار بود. این کشور در عین حال به عنوان واسطه‌ای برای سرمایه‌گذاری از سایر منابع، به ویژه تایوان و کره جنوبی عمل کرده است. ابتدا از سال ۱۹۴۹ به عنوان تنها دروازه‌ی بزرگ تجاری چین بود و از سیاست درهای باز چین منافع سرشاری حاصل کرد. همان گونه که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ هنگ کنگ «چین فوری» برای غرب بود، اکنون «غرب فوری» برای سرزمین اصلی چین به شمار می‌رود و در هر دو حالت منافع سرشاری عاید هنگ کنگ شده است (چون چا، ۱۳۷۵: ص ۳۶۴-۳۶۳).

در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، مذاکراتی میان پکن و لندن آغاز شد و درباره‌ی سرنوشت و آینده‌ی هنگ کنگ که قرارداد اجاره‌ی ۹۹ ساله‌ی آن در سال ۱۹۹۷ به پایان می‌رسید، بررسی‌هایی صورت گرفت و توافق شد که مالکیت چین بر هنگ کنگ بدون هیچ ابهامی، محترم و به رسمیت شناخته شود و هنگ کنگ نیز از خودمختاری داخلی در حد عالی برخوردار باشد. در سپتامبر ۱۹۹۱، مردم هنگ کنگ پس از ۱۵۰ سال به پای صندوق‌های رأی رفتند و نمایندگان مجلس قانونگذاری خود را انتخاب کردند. در ساعت صفر روز سه شنبه یکم ژوئیه ۱۹۹۷، چین طی تشریفات از پیش طراحی شده‌ای، هنگ کنگ را رسماً تحویل گرفت و بازرگان معروف هنگ کنگی به نام تونگ‌چی هُوا به عنوان رئیس اداری هنگ کنگ و ریاست مجلس قانونگذاری ناحیه‌ی مزبور، منصوب گردید. بنابر توافقات قبلی و قانونی، مردم هنگ کنگ حقوق و آزادی‌های خود را همچنان حفظ کردند و استقلال و آزادی عمل آن به عنوان یک مرکز داد و ستد مالی بین‌المللی، محترم شمرده شد و مقرر گردید این شرایط تا ۵۰ سال آینده همچنان ادامه یابد و پکن فقط در امور دفاعی و روابط خارجی آن اعمال نظر نماید. با الحاق هنگ کنگ به چین و اقتصاد بازار آزاد و آزادی‌های اجتماعی هنگ کنگ از یک سو و سیاست کنترل جدی در دیگر نواحی سرزمین پهناور چین از سوی دیگر، کشور چین به مملکتی با دو نظام حکومتی متفاوت تبدیل شد (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

ب. دموکراسی و توسعه‌ی سیاسی

هنگ کنگ از سال ۱۹۹۷ دارای نوعی دموکراسی و خودمختاری محدود بوده، دارای سه رکن اصلی به شرح زیر است: شورای اجرایی (کابینه) با ۱۴ عضو، شورای قانونگذاری (پارلمان) با ۶۰ عضو و دادگاه

استیناف نهایی به عنوان قوه‌ی قضاییه (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۸).

با توجه به این که نظام سیاسی هنگ کنگ، نظامی تقریباً مستقل است، پست‌های کلیدی سیاسی و اقتصادی در اختیار حزبی است که اکثریت کرسی‌ها را در مجلس به خود اختصاص داده است. نمایندگان سایر احزاب نیز از طریق حضور در مجلس و اعلام نظر در خصوص برنامه‌های پیشنهادی دولت، در هدایت کشور نقش دارند. این روند از سوی همه‌ی احزاب به رسمیت شناخته شده است. در راستای حفظ دموکراسی، احزاب به این فرآیند قانونی پایبند هستند. مجموعه قوانین مصوب مجلس در خصوص گروه‌های سیاسی، نحوه‌ی حضور آنها در فعالیت‌های سیاسی و جایگاه آنها در فعالیت‌های کشور را به روشنی مشخص کرده است. بر پایه‌ی این قوانین، حزب «اتحاد دموکراتیک برای بهبود و پیشرفت»، مقتدرترین حزب در هنگ کنگ بوده و حضور آن در همه‌ی فعالیت‌ها ضروری است. در چنین شرایطی، جهت موفقیت در بازار این منطقه و انجام طرح‌های کلان اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری، برقراری و حفظ ارتباط با اعضای این حزب، راه‌گشا است. بر اساس ارزیابی‌های انجام شده از سوی مراجع بین‌المللی، منطقه‌ی اداری ویژه‌ی هنگ کنگ یکی از مناطق بسیار باثبات است (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۰).

۳. تحولات اقتصادی

الف. پیشینه فعالیت‌های اقتصادی

هنگ کنگ ۱۵۰ سال پیش به وسیله‌ی تجار کشف شد. در ۱۰۰ سال اول، با ترانزیت کالا که پایه‌ی اساسی اقتصاد آن بود، یک شهر تجاری باقی ماند. استعمار انگلستان خدمات مالی و تجاری را برای بنگاه‌های بسیار بزرگ و کوچک در منطقه فراهم کرد و هنگ کنگ به عنوان یک پنجره‌ی تجاری و اقتصادی به سرزمین اصلی چین، به خدمت گرفته شد. حکومت چین کنترل استعماری بریتانیا بر هنگ کنگ را موقت و خودخواسته می‌دید که در نهایت به کنترل سرزمین اصلی (چین) باز خواهد گشت. پس از سال ۱۹۵۱، ضرورت‌های متعدد، سیاست اقتصادی را به سمت صنایع صادراتی سوق داد. صنعتی شدن به وسیله‌ی صنعت گران مهاجر که عمدتاً از شانگهای بودند، پایه‌گذاری شد، ولی گسترش صنعتی شدن و پایه‌گذاری یک فرایند پایدار توسعه‌ی صنعتی، کار بازرگانان محلی بود. اکثر آنها زمینه‌های قبلی تجارت داشتند، از تفکر تجاری برخوردار بوده و خیلی شبیه بازرگانان عمل می‌کردند. از آنان با عنوان

«کارآفرینان تاجر» یاد می‌شود. صنعتگران مهاجر شانگهای، صنایع نوین را در هنگ کنگ پایه‌گذاری کردند. بعضی از آنها توانستند ماشین‌آلات و مواد خام را که برای فعالیت‌شان در شانگهای سفارش داده بودند، با خود به هنگ کنگ بیاورند. آنها با کارخانه‌های بزرگ و ماشین‌آلات پیشرفته شروع به فعالیت، و به بهترین وجه ممکن عمل کردند. حتی امروزه صنایع نوین نساجی در دست جانشینان آنها است که رکن صنایع کارخانه‌ای هنگ کنگ هستند (چون چا، ۱۳۷۵: ۲۷۳-۳۷۲).

بین نیمه‌ی سال ۱۹۴۹ و نیمه‌ی سال ۱۹۵۴، نیم میلیون پناهنده از سرزمین اصلی چین در هنگ کنگ اقامت گزیدند، و در نتیجه، جمعیت، حدود ۲۷ درصد افزایش یافت. ترانزیت کالا که مثل خون در زندگی هنگ کنگ جریان داشت، در آن سال‌ها شکوفا شد، زیرا هنگ کنگ تنها راه اتصال میان چین و دنیای غیرسوسیالیست بود. ولی در سال ۱۹۵۱، به دنبال ورود چینی‌ها به درگیری کره، ایالات متحده تجارت میان چین و دنیای غرب را تحریم کرد. از این رو، ترانزیت کالا در هنگ کنگ متوقف شد و این کشور مجبور به دگرگون کردن اقتصاد خود گردید. برای هنگ کنگ به دلیل واقع شدن در منطقه‌ی کوچک پر از تپه ماهور و عدم فعالیت کشاورزی و با میراث طولانی تجارت و عرضه‌ی بسیار فراوان نیروی کار و بازار کوچک داخلی، تولید محصولات کار-بر برای صادرات تنها راه روشن بود.

هنگ کنگ در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۹، ده سال قبل از سایر کشورهای تازه صنعتی شده‌ی آسیای شرقی، مبادرت به صنعتی شدن با تأکید بر صادرات نمود. در آن زمان، به آینده‌ی اقتصادی هنگ کنگ چندان خوشبین نبودند. بدون منابع طبیعی یا کشاورزی به عنوان پشتوانه، هنگ کنگ حتی شرایط لازم برای دریافت کمک به عنوان یک مستعمره را هم نداشت، در این زمان، صنعتی شدن اجتناب ناپذیر می‌نمود، ولی بازارهای بزرگ جهان هزاران فرسنگ دورتر بودند. به تدریج هنگ کنگ همراه با کره جنوبی، تایوان، و سنگاپور، به عنوان گروه «چهار ببر» یا «ازدهای کوچک» نامیده شدند (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۳۳-۳۳۴).

هنگ کنگ طی قرن بیستم بسیار رشد کرد و به موقعیت یکی از مهم‌ترین مراکز مالی و تجاری جهان دست یافت و از نظر شاخص آزادی اقتصادی، به یکی از بازترین اقتصادها در جهان تبدیل شد. توسعه‌ی اقتصادی هنگ کنگ تحت تأثیر عوامل مختلفی تسهیل گردید:

اول، اقتصاد آن برای ارائه‌ی خدمات تجاری، بازرگانی و کشتیرانی ساخته شد و حکومت آن، محیط

مناسبی برای کارآفرینی و فعالیت شرکتی، بازرگانی و تجاری فراهم کرد. دوم، هنگ کنگ در مسیر اصلی کشتیرانی در اقیانوسیه‌ی غربی، درست بین ژاپن و تنگه مالاکا واقع شده، و یکی از کارآمدترین بنادر جهان را ایجاد کرده است. برای دهه‌های متمادی پایانه‌های بندری هنگ کنگ در زمره‌ی بزرگترین‌ها در جهان بودند. سوم، هنگ کنگ کارآمدترین و پیشرفته‌ترین تسهیلات مالی و بانکی را ایجاد کرد که نیازهای تجاری بسیاری از کشورها در منطقه را تأمین کند. چهارم، نیروی کار بسیار ماهر و منعطفی در هنگ کنگ وجود داشت که بخش صنعتی رقابت‌پذیری را ایجاد کرد که در کارخانجات مهارت محور، تخصص یافتند. پنجم، هنگ کنگ همچنین به عنوان مقصد گردشگری و خرید برای چینی‌های ثروتمند و گردشگران بین‌المللی، تجار و مسافران شناخته شد. بخش خدمات هنگ کنگ توسعه‌ی سریع خود را در اوایل قرن بیستم آغاز کرد. خدمات بانکداری و تجاری که ایجاد شدند، مبنای بخش خدمات در هنگ کنگ شدند. تمرکز گسترده بر خدمات تجاری و بازرگانی بین‌المللی صورت گرفت. برای دهه‌ها هنگ کنگ به طور موفقیت‌آمیزی محصولات را صادرات مجدد می‌کرد که در چین، ژاپن، کره جنوبی، تایوان و دیگر کشورها تولید می‌شدند. اقلامی همچون پوشاک، منسوجات، تجهیزات ارتباطات راه دور و ضبط صوت، ماشین‌ها و ابزارآلات برقی، و کفش از این زمره بودند. در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم، گردشگری هنگ کنگ به دلیل دارا بودن هواپیمایی مدرن، هتل‌های بین‌المللی و دیگر تسهیلات، بسیار اهمیت یافت. هر سال حدود ۱۸ میلیون گردشگر به هنگ کنگ سفر می‌کنند و به همین دلیل گردشگری یکی از بخش‌های عمده‌ی اقتصاد ملی است. بخش تولید کارخانه‌ای از دهه‌ی ۱۹۵۰ به سرعت رشد کرد، هر چند در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ رشد آن کاهش یافت. هنگ کنگ برای دهه‌ها به عنوان تولیدکننده‌ی کالاهای مصرفی گوناگون از جمله پوشاک، منسوجات، اسباب بازی، انواع پلاستیک، لوازم الکترونیک، ساعت مچی و غیره شناخته می‌شد. در عین حال از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ بخش تولید کارخانه‌ای، جای خود را به تولید کالاهای مهم‌تر همچون قطعات رایانه، لوازم الکترونیک با تکنولوژی بالا و برخی کالاهای لوکس داد. در عین حال،

تعداد با اهمیتی از تسهیلات تولید به دلیل پائین بودن هزینه‌های نیروی کار، به استان گوانگ دونگ چین منتقل شدند. (Thomas M. Leonard, 2006: 764)

شرکای تجاری و بازارهای عمده برای تولیدات هنگ کنگ؛ کشورهای چین، امریکا، ژاپن، تایوان و کشورهای شرق آسیا هستند. بر اساس آمارهای رسمی، تجارت بین‌المللی هنگ کنگ در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم به سرعت رشد کرد. کالاهای عمده‌ی صادراتی هنگ کنگ انواع ماشین‌ها و لوازم برقی، منسوجات، سنگ‌های قیمتی و غیره؛ و واردات آن اقلامی همچون مواد غذایی، سوخت، کالاهای ماشینی و کارخانه‌ای، تجهیزات حمل و نقل، و مواد خام هستند. شریک تجاری اصلی هنگ کنگ، چین است که ۴۲ درصد کل بازرده تجاری را شامل می‌شود. هنگ کنگ از بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ و کُند شدن رشد اقتصادی جهانی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۳ متأثر شد اما بحران در این کشور نسبتاً آرام بود. زندگی مردم هنگ کنگ از استاندارد بالایی برخوردار است و در زمره‌ی ثروتمندترین کشورهای جنوب شرق آسیا است. در عین حال، توزیع ثروت در این کشور عادلانه نیست. نرخ باسوادی حدود ۹۵ درصد است. (Thomas M. Leonard, 2006: 765)

ب. روندهای جاری اقتصاد

نظام اقتصادی هنگ کنگ به عنوان یک نظام سرمایه‌دارانه شناخته شده است. از این رو، احترام به حقوق مالکیت و پایین بودن مالیات، از مهمترین ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. بدین ترتیب، هر کس، چه داخلی چه خارجی، به طور آزاد و برابر، به همه‌ی بازارها دسترسی دارد. اطلاعات باید آزادانه و به طور ارزان منتشر شود و برای همه‌ی گروه‌ها قابل دسترسی باشد (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۷۷).

امروزه هنگ کنگ یک مرکز مالی جهانی است که موقعیت مناسبی را نیز برای فعالیت شرکت‌های خارجی‌ای که با سرزمین اصلی (چین) و دیگر نقاط آسیا تجارت می‌کنند، فراهم کرده است. هنگ کنگ ویژگی‌های ممتازی همچون باز بودن به روی جریان‌های سرمایه، جامعه‌ی با ثبات، نظام حقوقی و مقرراتی کارآمد و شفاف دارد. بخش خصوصی هنگ کنگ مورد حمایت یک اقتصاد باز با نیروی کار انعطاف‌پذیر و بازارهای تولیدی و رژیم مقرراتی کارآمد است. هنگ کنگ از نظر ریسک اقتصادی و سیاسی در وضعیت ریسک پائین، و از نظر ریسک مالی در وضعیت ریسک بسیار پایین است. (AMB

Country Risk Report, Hong Kong: 2010, 1-3)

عمده‌ترین شاخص‌های جاری اقتصادی هنگ‌کنگ عبارتند از: جمعیت در سال ۲۰۰۸ حدود ۷ میلیون نفر؛ میانگین رشد سالانه‌ی جمعیت در سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۰ حدود ۰/۶٪؛ درآمد ناخالص ملی در سال ۲۰۰۸ در حدود ۳۱۴۲۰ دلار؛ درصد رشد سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۰ در حدود ۱/۶٪؛ امید به زندگی در مردان ۷۹ سال و در زنان ۸۵ سال؛ تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۸ حدود ۲۱۵۳۵۵ میلیون دلار؛ میانگین رشد سالانه‌ی تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۰ در حدود ۵/۲٪؛ ارزش افزوده به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی صفر درصد، در بخش صنعت ۸ درصد و در بخش خدمات ۹۲ درصد؛ میزان صادرات در سال ۲۰۰۸ حدود ۳۷۰۲۴۲ میلیون دلار و واردات حدود ۳۹۲۹۶۲ میلیون دلار؛ درصد اقلام صادراتی کارخانه‌ای از کل صادرات حدود ۶۸ درصد؛ درصد صادرات با تکنولوژی بالا در کل صادرات حدود ۱۹ درصد؛ جریان‌های خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۷ حدود ۵۴۳۶۵ میلیون دلار است.

(World Development Report, 2010: 378)

بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۱۰، هنگ‌کنگ دارای رتبه‌ی ۲۱ را در میان ۱۷۰ کشور جهان، و در زمره‌ی کشورهای با توسعه‌ی انسانی بسیار بالا است. بر اساس این گزارش، کل جمعیت هنگ‌کنگ در سال ۲۰۱۰ حدود ۷/۱ میلیون نفر، کل جمعیت در سال ۲۰۳۰ حدود ۸/۲ میلیون نفر، میانگین رشد جمعیت طی سال‌های ۹۵-۱۹۹۰ حدود ۱/۷٪، میانگین رشد جمعیت طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۰ حدود ۹/۰٪، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۷۰ حدود ۴/۶ درصد

است. (Human Development, 2010: 184-206)

سهم کشاورزی در اقتصاد هنگ‌کنگ در حد صفر بوده و عمده‌ی کالاهای کشاورزی مورد نیاز، از سایر کشورها تأمین می‌شود. محصولات عمده‌ی کشاورزی هنگ‌کنگ شامل گل، سبزیجات تازه، ماکیان، خوک و ماهی است.

وضعیت بخش صنعت و معدن هنگ‌کنگ که ۸/۱ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد، زمینه‌هایی همچون صنعت نساجی و تولید پوشاک، گردشگری، تولید لوازم الکترونیکی از جمله کامپیوتر، صنعت تولید لوازم پلاستیکی، اسباب بازی، ساعت سازی است.

میزان مصرف نفت در هنگ‌کنگ ۲۹۲۰۰۰ بشکه در روز است. در این منطقه استخراج نفت انجام

نمی‌شود. این ارقام در شرایطی عنوان می‌شوند که هنگ کنگ در زمینه صادرات و واردات نفت فعالیت می‌کند. میزان صادرات و واردات نفت به ترتیب ۲۲۷۰۰ و ۳۱۴۷۰۰ بشکه در روز است.

وضعیت بخش خدمات هنگ کنگ که ۹۱/۸ درصد تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد، در زمینه‌های خدمات مالی، بانکی و بیمه، خدمات بازاریابی شامل تبلیغات، مشاوره، روابط عمومی، ارتباطات و تحقیقات بازار به شرکت‌های مختلف، بخش خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات مخابراتی، فناوری‌های نوین از جمله الکترونیک، بیوتکنولوژی، و نانوتکنولوژی، نظام توزیع شامل عمده فروشی و خرده فروشی و حمل و نقل، و خدمات گردشگری است.

میزان تولید و مصرف برق در هنگ کنگ به ترتیب ۳۸/۶ و ۴۰/۳ میلیون کیلو وات ساعت است. هنگ کنگ در زمینه صادرات برق اقدام کرده و در حال حاضر میزان صادرات این کشور ۴/۵ میلیارد کیلو وات ساعت است. حجم واردات برق هنگ کنگ ۱۰/۹ میلیارد کیلو وات ساعت اعلام شده است.

شرکت‌های هنگ کنگی با تکیه بر بازار بزرگ موجود در سرزمین اصلی چین، تمرکز عمده‌ای بر فروش و توزیع محصولات خانگی دارند (شریفی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۶).

جدول شاخص‌های جاری اقتصادی

سال	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	۱۵۹/۹	۱۵۸/۵	۱۶۵/۸	۱۷۳/۳	۱۸۹/۱	۲۰۷/۱	۲۱۵/۲	۲۰۹/۴
تولید ناخالص داخلی سرانه (میلیارد دلار)	۲۳۴۶۶	۲۳۱۵۰	۲۴۱۰۰	۲۶۰۰۰	۲۷۶۰۰	۲۹۹۰۰	۳۰۸۰۰	۲۹۹۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	۱/۹	۳/۲	۸/۶	۷/۱	۷	۷	۲/۵	-۲/۷
نرخ بیکاری	۷/۳	۷/۹	۶/۹	۵/۶	۴/۸	۴	۳/۵	۵/۲
نرخ تورم (درصد)	-۳	-۲/۶	-۱/۴	۱	۲	۲	۴/۳	۱/۵

Annual Economic Report: Hong Kong, 2010, p12.

هنگ کنگ با کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای جنوب شرق آسیا روابط اقتصادی و سیاسی بسیار خوبی دارد. بخش عمده‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده از طرف کشورهای ژاپن،

چین، سنگاپور، تایلند، انگلیس، آمریکا و هلند صورت پذیرفته است. بر مبنای آمار ارائه شده از سوی اداره‌ی توسعه‌ی سرمایه‌گذاری هنگ‌کنگ، کل سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در هنگ‌کنگ از ابتدا تاکنون ۵۲۰ میلیارد دلار است. زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری در منطقه‌ی هنگ‌کنگ به طور عمده شامل خدمات است. مناسب‌ترین زمینه‌های سرمایه‌گذاری در این منطقه عبارت‌اند از: خدمات مالی، فناوری اطلاعات، خدمات رسانه‌ای و چند رسانه‌ای، خدمات بیمه، فناوری‌های نوین از جمله الکترونیک و بیوتکنولوژی، مخابرات و ارتباطات راه دور، خدمات حرفه‌ای در زمینه‌ی کسب و کار، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، گردشگری، حمل و نقل، پروژه‌های خاص مانند تولید محصولات صنعتی و مواد غذایی (شریفی، ۱۳۸۷: ۹۱-۹۰).

با توجه به این که منطقه‌ی هنگ‌کنگ زمین‌های زراعی و منابع طبیعی کمی را در میان کشورهای مجاورش دارد، بنابراین باید بیشتر مواد غذایی و مواد خام را از سایر کشورها وارد کند. در سال ۲۰۰۶ میلادی، هنگ‌کنگ یازدهمین کشور از لحاظ ارزش صادرات و واردات در جهان است.

میزان ذخایر ارزی و طلای هنگ‌کنگ، مبلغ ۱۵۲/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ میلادی بوده است. سیستم اقتصادی هنگ‌کنگ تابع بازار آزاد است. بر مبنای بودجه ارائه شده از سوی دولت در سال ۲۰۰۷، میزان درآمدها معادل ۳۶/۹ میلیارد دلار و میزان هزینه‌ها معادل ۲۹/۴ میلیارد دلار است. بدهی‌های خارجی این کشور در سال ۲۰۰۷، بر مبنای آمار ارائه شده از سوی بانک جهانی، ۵۸۸ میلیارد دلار بوده است. میزان کمک‌های خارجی دریافت شده در سال ۲۰۰۴ برابر با ۶/۹۵ میلیون دلار بود (شریفی، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۵).

اقلام عمده صادراتی هنگ‌کنگ شامل ماشین‌آلات و دستگاه‌های الکتریکی، راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار و آبگرم، مروارید طبیعی، سنگ‌های قیمتی، پوشاک، مواد پلاستیکی، اسباب بازی، دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری، کفش و محصولات چرمی است. مهم‌ترین عامل رشد درآمدهای صادراتی هنگ‌کنگ، افزایش بی‌سابقه‌ی تقاضای دریافت خدمات مخابراتی در سطح جهان است. کشورهای جنوب شرق آسیا و ایالات متحده آمریکا عمدتاً کشورهای واردکننده‌ی کالا از هنگ‌کنگ هستند. در سال ۲۰۰۷، بیش از ۷۰ درصد صادرات هنگ‌کنگ به پنج کشور چین، ژاپن، تایوان، سنگاپور و آمریکا صورت پذیرفته است.

اقلام عمده‌ی وارداتی هنگ کنگ شامل محصولات خام و نیمه مصنوعي، قطعات، کالاهای مصرفی، کالاهای سرمایه‌ای، مواد غذایی و سوخت هستند. مهم‌ترین شرکای تجاری هنگ کنگ در حوزه‌ی واردات، به ترتیب کشورهای چین، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، انگلستان، آلمان، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور هستند.

شرکای تجاری هنگ کنگ (صادرات - ۲۰۰۹)

صادرات به	صادرات (میلیارد دلار آمریکا)	سهم (درصد)	رشد (درصد)
چین	۱۶۱۹۵۵	۵۱	-۷/۸
امریکا	۳۶۵۶۹	۱۲	-۲۱
ژاپن	۱۳۹۵۸	۴/۴	-۱۰
آلمان	۱۰۱۷۲	۳/۲	-۱۶
انگلستان	۷۶۵۰	۲/۴	-۲۱
تایوان	۷۰۱۴	۲/۲	-۰/۴
هند	۶۷۰۳	۲/۱	۰/۲
کره جنوبی	۵۵۳۰	۱/۷	-۱۳
سنگاپور	۵۴۱۷	۱/۷	-۲۴
هلند	۴۷۷۸	۱/۵	-۱۸
امارات	۳۹۵۳۵	۱۲	-۲۰
سوئیس	۱۸۷۹	۰/۶	-۲۹
کل	۳۱۶۵۵۰	۱۰۰	-۱۲/۶

.13,p2010Annual Economic Report: Hong Kong,

در جدول صفحه بعد شرکای تجاری هنگ کنگ (واردات - ۲۰۰۹) دیده می‌شود.

شرکای تجاری هنگ کنگ (واردات - ۲۰۰۹)

واردات از	واردات (میلیارد دلار آمریکا)	سهم (درصد)	رشد (درصد)
چین	۱۶۰۱۷۶	۴۶	-۱۱
ژاپن	۳۰۳۰۴	۸/۸	-۲۱
تایوان	۲۲۵۱۹	۶/۵	-۸/۵
سنگاپور	۲۲۳۹۲	۶/۵	-۱۰
امریکا	۱۸۲۲۳	۵/۳	-۵/۷
کره جنوبی	۱۳۲۱۱	۳/۸	-۱۳
مالزی	۸۷۲۰	۲/۵	۲/۸
تایلند	۷۳۸۳	۲/۱	-۹/۷
هند	۶۷۴۴	۲	-۹/۳
آلمان	۶۴۲۴	۱/۹	-۶/۲
امارات	۲۶۷۴۹	۷/۷	-۸/۷
سوئیس	۵۲۹۲	۱/۵	-۱۱/۵
کل	۳۴۵۱۷۴	۱۰۰	-۱۱

Annual Economic Report: Hong Kong, 2010, p13.

پ. دولت و توسعه‌ی صنعتی

در ابتدا دولت هنگ کنگ برای هدایت یا برنامه‌ریزی برای کسب رشد اقتصادی آماده نبود. به تدریج اقتصاد رونق گرفت و چنان خوب عمل کرد که به نظر می‌رسید نیازی به دخالت دولت وجود ندارد. در عین حال، بنگاه‌های خصوصی در خلأ عمل نکردند و عملکرد آنها به نهادهای هماهنگ و زیر ساخت‌های مناسب و بسیاری از قوانین که تنها دولت می‌تواند آنها را مهیا کند، بستگی داشت. زیربنای سیاست عدم دخالت دولت هنگ کنگ، یک موضع‌گیری قوی در جهت اقتصادی بود. عدم مداخله‌گرایی، شامل حداقل اعمال نظر دولت در تدوین قوانین و مقررات، بندر آزاد، بازار آزاد ارز، و جریان آزاد سرمایه و اقتصاد آزاد به طور کلی است. از دیدگاه مثبت، دولت ثبات سیاسی و اجتماعی را

حفظ کرد و مدیریت مؤثر و کارایی را اعمال کرد و خود نیز دارای یک نظام حقوقی مستقل بود که قوانین انگلیس را به مورد اجرا می‌گذاشت. در هنگ کنگ، قانون مالکیت به طور روشن تعریف شده و به طور آگاهانه از آن حمایت می‌شود.

دولت مستقیماً در راه‌ها، راه آهن، مترو، هواپیما و عرضه آب سرمایه گذاری می‌کرد. با وجود تراکم بالا و سرزمین نامساعد، عملکرد دولت در حرکت ترافیک در مناطق شهری خوب بود. پایانه‌های کارآمد در مالکیت و اداره‌ی بخش خصوصی بوده، ولی توسعه‌ی آنها با برنامه‌های دولت صورت گرفته، و سایر تسهیلات از قبیل حمل و نقل عمومی، گاز و برق و تلفن و تلگراف، توسط بنگاه‌های خصوصی فراهم شده است (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۷۹-۳۷۷).

تسهیلات عمومی، خدمات بهداشتی، درمانی و آموزشی پیوسته در حال بهبود است. نه سال آموزش اجباری در سال ۱۹۷۸ نهادی شد. آموزش دوره‌ی دبیرستان سریعاً گسترش یافت. دولت همچنین آموزش‌های خاص صنعتی را با پول مالیات از صنایع، سازماندهی کرد. از دهه‌ی ۱۹۸۰ بر آموزش‌های حرفه‌ای تأکید بیشتری شده است. دومین پلی تکنیک و سومین دانشگاه علوم و تکنولوژی تأسیس شد. صرف نظر از وام‌های کوتاه مدت به صنایع کوچک، دولت بخش خصوصی را از نظر مالی تأمین نکرده است، ولی اولاً سیاست مالیات‌های پایین منجر به وفور پس‌انداز و عرضه‌ی فراوان وجوهی که می‌توانند به صورت وام به سرمایه‌گذاران خصوصی داده شوند، شده است. ثانیاً به جای رقابت با بخش خصوصی برای جلب اعتبار مالی مثل کشورهای دیگر، سیاست مالی محافظه‌کارانه سال به سال مازاد بودجه چشمگیری را به ارمغان آورده است. ثالثاً چون دولت کنترل زیادی بر توسعه‌ی اعتبارات اعمال نکرده، عرضه‌ی اعتبارات بانکی کاملاً با کشش است و رونق در یک بخش موجب خالی شدن بخش دیگر از اعتبار نشده است. در سال‌های اخیر، دولت به منظور سرعت بخشیدن به انتقال تکنولوژی، تلاش‌های هماهنگی را برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام داده است (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۸۰).

با الحاق هنگ کنگ به سازمان تجارت جهانی از یک طرف و تبعیت از نظام اقتصاد آزاد، دخالت دولت در نظام نرخ‌گذاری بسیار اندک بوده و قیمت‌ها تابع سازوکار عرضه و تقاضا است. در حال حاضر بخش خدمات بیش از سایر بخش‌ها مورد توجه دولت است. دولت تلاش دارد در سایه‌ی همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه آن منطقه در عرصه‌ی تجارت جهانی را بهبود بخشد (شریفی، ۱۳۸۷).

آزادترین اقتصاد جهان، منطقه‌ی اداری هنگ کنگ است، این مسئله یعنی دخالت حداقل دولت در فعالیت‌های اقتصادی. آزادی اقتصاد هنگ کنگ، ناشی از دولت پیشین (انگلیس) است. هنگ کنگ توسعه‌ی خود را با سیاست تشویق صادرات در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ آغاز نمود. وضعیت هنگ کنگ به دلیل نقش کوچک و غیر مداخله‌گرایانه‌ی دولت از دیگر کشورهای شرق آسیا متفاوت بود. هنگ کنگ در چهار دهه‌ی اخیر یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی و بهره‌وری را داشته است. در هنگ کنگ صنعتی‌شدن به وسیله‌ی صنعتگران مهاجر که اغلب از شانگهای بودند، آغاز شد و به وسیله‌ی کارفرمایان تجاری محلی توسعه یافت. بنگاه‌های کوچک با حمایت دولت، توسعه یافتند. موفقیت هنگ کنگ در سایه‌ی سیاست‌های بازار آزاد و عدم دخالت دولت کسب شده است (درویشی و عسگری، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

هنگ کنگ از جهت ویژگی اساسی، یک اقتصاد باز با اندازه‌ی کوچک دولت و عدم مداخله‌ی دولت در امور اقتصادی است. در بررسی‌های انجام شده در سال ۲۰۰۶ میلادی، هنگ کنگ رتبه‌ی اول از میان ۱۵۷ کشور جهان در زمینه‌ی آزادی اقتصادی را کسب کرده است. فیلیپ‌ها دون کی - و ، که از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ وزیر دارایی هنگ کنگ بود، واژه «عدم دخالت‌گرایی مثبت دولت» را برای توصیف رفتار دولت با اقتصاد به کار برد. «عدم دخالت‌گرایی مثبت دولت» به این معناست که در اغلب شرایط، برنامه‌ریزی دولتی تخصیص منابع به زیان رشد اقتصادی کشور، عملکرد نیروهای بازار را بی‌اثر می‌سازد. در یک اقتصاد باز، پیش‌بینی بسیار مشکل است تا چه رسد به این که کنترل هم صورت گیرد. در نتیجه، شرکت‌ها مجبور به پرداخت بهای خطاها و مدیریت نادرست خود بوده، مصرف‌کنندگان مجبور به پرداخت تمام هزینه‌های خدمات عمومی می‌باشند. کلمه مثبت به این معناست که دولت در اصل پذیرش هرگونه پیشنهاد را برای دخالت، رد نخواهد کرد ولی در عین حال، علیه دخالت در امور اقتصادی تعصب دارد. بنابراین، نقش اولیه، فراهم کردن خدمات عمومی و زیر بنایی اقتصادی است که تنها خودش می‌تواند آنها را به صورت معقولی مهیا سازد. مسئولیت اجتماعی در مقابل نیازمندان مورد تأیید است، ولی کار اخلاقی نباید به وسیله‌ی سیاست‌های اجتماعی و سیاست‌های توزیع مجدد مالی ضعیف شود (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۴۶).

هنگ کنگ برای جلب منافع همه چیز داشت: ثبات سیاسی، نبود کنترل ارزی، پول تثبیت شده با پشتوانه‌ی کامل سپرده‌های بین‌المللی، نظام قانونی به خوبی تعریف شده و به خوبی اداره شده، عدم مداخله‌ی دولت همراه با نرخ پایین مالیات و موقعیت جغرافیایی بین لندن و نیویورک. در دهه‌ی ۱۹۸۰ اصلاحات اقتصادی و سیاست‌های درهای باز در چین رونق زیادی برای بخش مالی هنگ کنگ به ارمغان آورد. بانک‌های مهم برای گشایش شعبه در دروازه‌ی چین به رقابت پرداختند. شمار بانک‌ها در هنگ کنگ، از ۷۴ بانک در سال ۱۹۷۷ به ۱۶۵ بانک در سال ۱۹۸۹ افزایش یافت که از این میان، ۱۳۴ بانک، خارجی بودند. در سال ۱۹۹۱ هنگ کنگ از نظر پرداخت وام، مدیریت مالی، تجارت طلا و بازار سهام، دومین مرکز بزرگ مالی آسیا در حوزه‌ی اقیانوس آرام بود (چون چا، ۱۳۷۵: ۳۴۲-۳۳۸). یک ویژگی قابل توجه صنایع کارخانه‌ای هنگ کنگ، تسلط بنگاه‌های اقتصادی کوچک است (چون چا، ۱۳۷۵: ص ۳۵۰)

تکامل اقتصاد هنگ کنگ

۱۹۸۱-دهه ۱۹۹۰	۱۹۷۰-۱۹۸۲	۱۹۵۲-۱۹۷۰	۱۹۴۷-۱۹۵۷	
ظهور مجدد تجارت حمل و نقل افزایش رقابت بین المللی، اتصال رشد اقتصادی با جنوب چین	رقابت با کشورهای تازه صنعتی شده و سایر کشورهای کم هزینه حمایت گرایی تجاری	قطع تجارت چین رشد بازارهای آمریکایی و اروپایی	بهبود بعد از جنگ	تغییر محیط
خدمات تجاری، حمل و نقل، مالی، لباس و منسوجات، تنوع صنایع مصرفی، جهانگردی	پوشاک، منسوجات، تنوع صنایع مصرفی، خدمات مالی و تجاری	منسوجات، پوشاک، وسایل الکترونیک، مصرفی و پلاستیک	تجارت حمل و نقل و خدمات	ساختار اقتصادی
کیفیت نیروی کار، فن آوری قابل دسترس، نظام تعدیل و قانون باز و با ثبات، شالوده فیزیکی آینده‌نگر	کارگر کم هزینه، شالوده های فیزیکی، (مسکن، حمل نقل)	انتقال سرمایه و مهارتها از شانگهای، کارگر کم هزینه	بندر عالی، بخش مجرب تجارب بین المللی، کشتیرانی وسیع و روابط تجاری	بنیان‌های اقتصادی

۱۹۸۱-دهه ۱۹۹۰	۱۹۷۰-۱۹۸۳	۱۹۵۲-۱۹۷۰	۱۹۴۷-۱۹۵۷	
حرکت به سوی ارزش افزوده زیاد صنعتی، خدمات نیرومند تجارت حمل و نقل، ساختمان اتصال جدیدی با چین	تنوع صنایع با جهتگیری صادرات	صنعتی شدن کار- بر	شاهکار کشتیرانی و مزیت های تجاری	راهبرد اقتصادی

منبع: دنی لیبزیگر، ص ۳۵۸

نتیجه گیری

عمده ترین مباحث مقاله در عناوین ذیل قابل جمع بندی و نتیجه گیری هستند:

۱. به طور کلی همه ی کشورهای موفق شرق آسیا دارای سه ویژگی ثبات کلان اقتصادی، سرمایه گذاری در نیروی انسانی، جهت گیری برون نگر بودند.
۲. تجارت هنگ کنگ در حالی که بر پایه ی سنت های مراکز بازرگانی بنا شده، پس از گسسته شدن روابط از چین، به سرعت راهبردهای تجارت آزاد را در پیش گرفت و در این راستا، بانکداری رقابتی خصوصی گسترش یافت.
۳. هنگ کنگ از جمله کشورهایی است که در دوره ی پس از جنگ جهانی دوم، بدون منابع طبیعی و کشاورزی، نوسازی و صنعتی شدن صادرات محور را آغاز کرد و در زمره ی نسل اول توسعه در شرق آسیا (بره های آسیا) و نمونه ای موفق قرار گرفت.
۴. هنگ کنگ در طی چند دهه توانست به رشد اقتصادی، کاهش فقر، ادغام در اقتصاد جهانی و افزایش رفاه و سطح زندگی مردم خود دست یابد و به یکی از ثروتمندترین کشورهای شرق آسیا تبدیل شود.
۵. الگوی توسعه در هنگ کنگ، کشور ژاپن بوده است.
۶. هنگ کنگ اگر چه جزئی از سرزمین چین به شمار می رود، اما به واسطه ی حاکمیت انگلستان بر این سرزمین تا سال ۱۹۹۷، تجربه ی اقتصاد آزاد را تجربه کرده است.
۷. هنگ کنگ از اوایل قرن بیستم به عنوان یک مرکز تجاری، بازرگانی، مالی، و صادرات مجدد در منطقه ی شرق آسیا درآمده و ابتدا صادرکننده ی صنایع سبک، نساجی، پوشاک، پلاستیک، و سپس

- ماشین‌آلات و کالاهای الکترونیکی، کالاها و خدمات مخابراتی بود.
۸. هنگ کنگ در دهه‌ی ۱۹۸۰ با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان در چین، به عنوان نقطه‌ی ارتباط چین با جهان خارج تبدیل، و منشأ بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در چین شد و از طریق تزریق انبوه بنگاه‌ها، سرمایه و مهارت، تأثیرگذار بود و خود نیز منافع فراوانی از این راه کسب کرد.
۹. هنگ کنگ پس از استرداد به چین، به عنوان منطقه‌ی خودمختار؛ استقلال، بازار آزاد و دموکراسی خود را حفظ کرد و تنها در امور دفاعی و روابط خارجی تابع چین شد.
۱۰. هنگ کنگ در مسیر اصلی کشتیرانی در اقیانوسیه‌ی غربی واقع شده و یکی از مهمترین بنادر جهان، و دارای یکی از پیشرفته‌ترین تسهیلات مالی، بانکی، خدمات، و حمل و نقل هوایی است و نیازهای تجاری دیگر کشورها را تأمین می‌کند.
۱۱. نیروی کار هنگ کنگ بسیار ماهر، و به رقابت‌پذیری صنعت این کشور بسیار کمک کرده است.
۱۲. ثبات اقتصادی هنگ کنگ بسیار بالا و ریسک اقتصادی و سیاسی آن بسیار پائین، و از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی در رتبه‌ی بسیار بالا است.
۱۳. اگر چه اقتصاد هنگ کنگ کاملاً آزاد و باز بوده است، اما دولت محیط مناسبی برای کارآفرینی و فعالیت بازرگانی و تجاری فراهم کرد و اساساً رشد اقتصادی آن وابسته به نهادهای هماهنگ دولتی و زیرساخت‌های مناسب و قوانینی بود که توسط دولت وضع و اجرا می‌شد.
۱۴. رویکرد دولت هنگ کنگ، سیاست دولت کوچک و عدم مداخله در اقتصاد و تنها بسترسازی برای آن بود.
۱۵. عدم مداخله‌گرایی دولت شامل حداقل اعمال نظر در تدوین قوانین و مقررات، بندر آزاد، بازار آزاد ارز، و جریان آزاد سرمایه بود. از این رو، هنگ کنگ به آزادترین اقتصاد جهان تبدیل شده است.
۱۶. دولت علاوه بر تأمین مالی صنایع کوچک، در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انتقال تکنولوژی موفق عمل کرده است. دولت آموزش‌های خاص صنعتی را با پول‌های ناشی از اخذ مالیات از صنایع فراهم می‌کرد و بر آموزش‌های حرفه‌ای بسیار تأکید داشت.
۱۷. به طور خلاصه هنگ کنگ فاقد منابع اولیه، دارای سرمایه‌ی انسانی، بدون کمک خارجی، با اعمال سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان، بدون سیاست‌های تشویق صادرات، با سرمایه‌گذاری در منابع انسانی،

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۲

و باز بودن واردات، بدون سیاست‌های گزینش صادراتی، با بنگاه‌های دولتی، دیوانسالاری نیرومند، برخوردار از نظام سیاسی باثبات و دموکراتیک، فاقد رهبری آرمانی، و رشد بالا در دهه‌ی ۱۹۶۰، ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ به توسعه رسید.

Archive of SID

۵۶ ◊

منابع فارسی

- اوائل پیتز (۱۳۸۰)، *توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی*، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- بانک جهانی (۱۳۷۹)، *معجزه آسیای شرقی*، ترجمه محمد تقی بانکی، تهران: سروش.
- برگستروم، ویلی (۱۳۷۸)، *دولت و رشد*، ترجمه علی حیاتی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- برنل، پیتز و رندال، ویکی (۱۳۸۷)، *سیاست در جهان در حال توسعه*، ترجمه احمد ساعی و سعید میر ترابی، تهران: قومس.
- تودارو. مایکل (۱۳۷۰)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم.
- جونز، چارلز (۱۳۷۹)، *مقدمه ای بر رشد اقتصادی*، ترجمه حمید سهرابی و غلامرضا گرایبی نژاد، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- چون چا، لونگ (۱۳۷۵)، *هنگ کنگ یک حالت منحصر به فرد توسعه*، مترجم: سعید نیکزاد لاریجانی، در: تجربه توسعه در شرق آسیا/ ویراستار: دنی لیبزیگر؛ ترجمه و نظارت: غلامعلی فرجادی، با همکاری یوسف نراقی و دیگران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- حسن زاده، محمد و رضا میرزا ابراهیمی (۱۳۸۶)، *استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- شریف النسبی، مرتضی (۱۳۷۵) *چرخه‌ی توسعه؛ راهنمای رشد ثستابان: توسعه اقتصادی - صنعتی کشورهای جنوب شرقی آسیا*، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شریفی، کیومرث و لیلا مواسات (۱۳۸۷)، *راهنمای تجارت با هنگ کنگ*، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۱)، *نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب، نظریه‌ها*، تهران: آگه.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱)، *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*، دو جلد، جلد اول، تهران: نشر البرز.
- کمپ، تام (۱۳۷۹)، *الگوهای تاریخی صنعتی شدن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- لفت ویچ، آدریان (۱۳۷۸)، *اولویت سیاست در توسعه، در: دموکراسی و توسعه*، ترجمه احمد

علیقیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

- لفت ویک، آدریان (۱۳۸۴)، *سیاست و توسعه در جهان سوم*، ترجمه علیرضا خسروی و مهدی میر محمدی، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.

- لیپیگر، دنی (۱۳۷۵)، *تجربه توسعه در شرق آسیا*، ترجمه گروه ترجمه با نظارت غلامعلی فرجادی، تهران: موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

- نامی، محمدحسن (۱۳۸۶)، *آشنایی با کشورهای شرق آسیا*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- نیزبت، جان (۱۳۸۵)، *آسیا به کجا می رود؟ (روندهای کلان در آسیا)*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- وزارت امور خارجه (۱۳۸۶)، *منطقه ویژه اداری هنگ کنگ و منطقه ویژه اداری ماکائو*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

- آقا محمدی، علی (۱۳۸۰)، «درس‌هایی از مدل رفاه آسیای شرقی»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۸۰، خرداد.

- بی نا (۱۳۸۵)، «برنامه‌های تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در هنگ کنگ»، *مجله نامه اتاق بازرگانی*، شماره ۴۶۴، آذر.

- خوش طینت، محسن و حجت سرهنگی (بی تا)، «نظام حسابداری و گزارشگری مالی در هنگ کنگ»، *مجله حسابداری*، سال بیست و یکم، شماره ۱۷۷.

- درویشی، باقر و حشمت الله عسگری (۱۳۸۵)، «جهت‌گیری مزیت نسبی برخی از کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا و مقایسه آن با ایران»، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۲۳.

- شیرزادی، رضا (۱۳۷۷)، «تحلیلی بر بحران اقتصادی شرق آسیا و پیامدهای آن»، *فصلنامه راهبرد*، شماره‌های ۱۵-۱۶، بهار و تابستان.

- موسوی شفاپی، سید مسعود (۱۳۸۷)، «جهانی شدن توسعه‌گرایی با نگاهی به تجربه شرق آسیا»، *راهبرد*، شماره چهل و هفتم، تابستان.

English Source

- AMB Country Risk Report (2010), *Hong Kong*, October 29.
- Beatty, Bob (2003), *Democracy, Asian Values*, Hong Kong: Evaluating Political Elite Beliefs & Praeger Publisher.
- Consulate General of Switzerland in Hong Kong (2010), *Annual Economic Report: Hong Kong*, 30 April.
- Faure, David, and Pui-Tak Lee (2004), *Economy: A Documentary History of Hong Kong*, Hong Kong: Hong Kong University Press.
- Haynes, Jeffrey (2008), *Development Studies*, USA- UK: Polity Press.
- Kingsbury, Damien, Joe Remenyi, John Mckay and Janet Hunt (2004), *Key Issues in Development*, New York: Palgrave.
- Li, Kui Wai, and Kui-Wai Li (2002), *Capitalism Development and Economism in East Asia: The Rise of Hong Kong, Singapore, Taiwan and South Korea (Routledge Studies in Growth Economies of Asia)*, New York and London: Routledge.
- M. Leonard, Thomas (2006), *Encyclopedia of the Developing World*, New York & London: Routledge.
- Evans, Peter and Rauch James (1999), "Bureaucracy and Growth: A Gross - National analysis of the Effects of Weberian State Structures on Economic Growth", *American Sociological Review*, October, pp.748-765.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۲

- Peter Evans (1996), "Government Action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence on Synergy", *World Development* 24 (6), June, pp. 1119-1132.

- UNDP, *Human Development Report 2010: The Real Wealth of Nations: Pathways Human Development*, New York: UN, 2010.

Archive of SID

۶۰ ◇